

به نام دانای دادگر

ضمن عرض سلام و خسته نباشید خدمت داوطلبان محترم آزمون وکالت ۹۸ در این نوشتار قصد دارم مروری گذرا بر سوالات درس دادرسی مدنی این آزمون داشته باشم. بحث رو در دو قسمت پیگیری می‌کنیم: بخش اول کلیات و تحلیل کلی سوالات درس دادرسی مدنی و بخش دوم پاسخنامه تحلیلی برای هر سوال.

الف) تحلیل کلی سوالات درس آ.د.م. آزمون وکالت ۱۳۹۸

* در سوالات درس آیین دادرسی مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۸، حدوداً ۱۸ سوال از نصوص قانونی طرح شده که از این تعداد هشت الی نه سوال از قوانین خاص (یعنی قوانینی غیر از قانون آیین دادرسی مدنی) طرح شده.

* مطابق روال همیشگی، سوالاتی که از قوانین خاص طرح شده، عیناً مطابق نصوص قانونی هست ولی در مباحث مربوط به قانونی اصلی (یعنی مباحث مربوط به قانون آیین دادرسی مدنی) همچنان مطابق روال هر سال، در یک یا دو مورد، سوالات از حدّ نص خود ماده فراتر رفته؛ به این معنی که با خود ماده به تنهایی امکان پاسخگویی به اون سوال مقدور نیست و سوال، عیناً (یا منطاً) از توضیحات استاد شمس در کتب آیین دادرسی این استاد گرامی طرح شده.

* تفاوتی که در آزمون امسال با آزمون سال قبل در حوزه قوانین خاص مشهوده، متعارف‌تر بودن قوانین خاص در آزمون ۹۸ هست. در حالی که در آزمون سال گذشته (۹۷) قوانین خاصی مورد سوال واقع شده بود که در مقایسه با سایر قوانین خاص حوزه دادرسی مدنی، نسبتاً شاذ و مغفول محسوب می‌شدند.

* عادتِ پاگرفته مبنی بر شروع سوالات از قوانین خاص، امسال هم محترم شمرده شد. اولین سوال درس آ.د.م. از قانون اجرای احکام طرح شد؛ سوالی که مستندش سابقه چندانی توی آزمونهای گذشته نداشت.

* مطابق روال هر سال، چندتا سوال تکراری (تکرار شده در آزمونهای گذشته) به چشم می‌خوره که در بخش دوم به اون موارد اشاره می‌کنم.

* قانون توزیع نرمال گزینه‌ها (از ۲۰ پاسخ، فراوانی هر گزینه ۵ مرتبه) امسال اعمال نشد.

* با توجه به تجانس ادبی اکثر سوالات (از جمله وجود عبارت «کدام مورد صحیح است» در انتهای ۱۶ سوال از ۲۰ سوال؛ و نشانه‌های دیگر...)، به نظر می‌رسد عمده سوالات (نه همه اونها) توسط یک شخص، طرح شده؛ در هر حال صرف‌نظر از یکی دو تا سوال که از آزمونهای سنوات قبل اقتباس شده، دخالت چند طراح در طرح سوالات دور از ذهن نیست.

* آزمون وکالت ۱۳۹۸ هم مثل آزمون سال قبل برای چندمین بار ثابت کرد که در این آزمون (اقلاً در درس دادرسی مدنی) از آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها (یعنی مصوبات مراجعی غیر از مجلس شورای اسلامی) سوالی مطرح نمی‌شه؛ هرچند که در لیست قوانین اعلامی از سوی اسکودا برای درس دادرسی مدنی آزمون ۱۳۹۸ نام «آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا» هم به چشم می‌خوره.

* آزمون وکالت ۱۳۹۸ برای چندمین بار اثبات کرد که یکی از بهترین روش‌های مطالعه قانون آیین دادرسی مدنی، روش مقایسه‌ای و همچنین روش «کلمه-کلیدی» هست. که روشهارو توی جزوه هنر مدیریت مطالعه برای آزمون وکالت شرح دادم.

* به طوری کلی سوالات امسال در درس دادرسی مدنی نسبتاً ساده و حتی ساده‌تر از آزمون سال ۱۳۹۷ بود؛ این معنی با توجه اعلام قبلی قوانینی که قراره از شون سوال بیاد و ایجاد یک آمادگی نسبی قبلی، تقویت میشه.

در ادامه، سوالات شماره ۲۱ تا ۴۰ آزمون وکالت ۹۸ رو از دفترچه نوع «E» تک‌تک بررسی می‌کنیم:

ب) پاسخنامه مشروح:

بر اساس دفترچه نوع «E 201»

پاسخ سوال ۲۱: گزینه ۲

قانون خاص / م. ۱۴۴ ق. اجرای احکام مدنی که در فصل اموال غیرمنقول بحث می‌کند و طبیعتاً شامل مال منقول نمی‌شود. طبق این ماده: «در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم‌له آنرا در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می‌تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرائی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم‌له باشد خواهد داد.»

پاسخ سوال ۲۲: گزینه ۴

قانون خاص / م. ۴۶ ق. اجرای احکام مدنی: «اگر محکوم‌به عین معین بوده و تلف شده و یا بآن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم‌علیه وصول می‌شود و هرگاه محکوم‌به قابل تقویم نباشد محکوم‌له می‌تواند دعوی خسارت اقامه نماید.»

پاسخ سوال ۲۳: گزینه ۳

قانون خاص / م. ۱۱۵ ق. تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: «در مواردی که محکوم‌علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرسی اجرای احکام دیوان، موجّه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد...»

پاسخ سوال ۲۴: گزینه ۲

قانون خاص / م. ۲۷ ق. شوراها حلّ اختلاف: «تمام آرای صادره موضوع ماده (۹) این قانون ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آرای قاضی شورا، حسب مورد دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری دو همان حوزه قضائی می‌باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آرای صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌کند. این رأی، قطعی است و اگر رسیدگی به موضوع در صلاحیت مرجع دیگری باشد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند. ...»
تبصره ۲- هرگاه رأی مرجع تجدیدنظر در مقام رد صلاحیت شورا باشد رسیدگی ماهوی انجام و رأی اخیر بعنوان رأی شعبه بدوی تلقی و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری قابل تجدیدنظر است.»

پاسخ سوال ۲۵: گزینه ۱

قانون خاص / م. ۱۹ ق. نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: «اجراءکننده رأی باید به درخواست محکوم‌له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین دادگاه باید به درخواست محکوم‌له یا خواننده دعوای اعسار به مراجع ذی‌ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداری‌ها دستور دهد که براساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم‌علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است.»

«تبصره ۱- مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم‌علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند.»

«تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.»

پاسخ سوال ۲۶: هیچ گزینه‌ای صحیح نیست اما باتوجه به ماده ۱۶۷ قانون امور حسبی به نظر می‌رسد نظر طراح بر گزینه ۳ بوده: قانون خاص / م. ۱۶۷ ق. امور حسبی: «اشخاص مذکور زیر می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند: ... ۳- طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تامین طلب نشده باشد.»
همونطور که در دفترچه سوالات می‌بینیم در واقع هیچ گزینه‌ای دقیقاً منطبق با ماده نیست.

پاسخ سوال ۲۷: گزینه ۴

قانون خاص / م. ۱۴ لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری: «... رئیس کانون از حکم براثت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید...».

تا اینهای کار، هفت تا سوال از قوانین خاص بررسی شد و دیدیم که در این موارد، سوالات از خود نص قوانین سوال طرح شده و نیازی به تحلیل عمیق یا بررسی چندتا قانون خاص برای یک سوال و مفهوم‌گیری و... وجود نداشت. البته در سوالی بعدی باز هم قانون خاص داریم.

پاسخ سوال ۲۸: گزینه ۲

ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی: «در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دونفر وکیل معرفی کرده و به هیچیک از آنها به‌طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.»

توجه داشته باشید که صورت سوال در مورد نحوه مداخله و کلا ساکت و بر اساس مستفاد از ماده ۶۶۹ قانون مدنی، در صورت اطلاق در این مورد، حمل بر حالت اجتماع می‌کنیم. بر اساس این ماده: «هرگاه برای انجام یک امر، دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر این که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد.»

پاسخ سوال ۲۹: گزینه ۳

مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ ق.آ.د.م.:

ماده ۲۱۴- هرگاه یکی از اصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می‌تواند پرونده را مطالبه کند. مرجع ذی‌ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید.
ماده ۲۱۵- چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده دعوی مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی‌ربط تقاضانامه‌ای به وی می‌دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می‌تواند پرونده مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید.

تکنیک ← در مورد این سوال، کافیه که با تکنیک‌های تست‌زنی آشنا باشیم و در این صورت، همین که بدونیم روند مطالبه پرونده کیفری با روند مطالبه پرونده مدنی متفاوت، ما رو در کمتر از ۱۰ ثانیه به گزینه مورد نظر می‌رسونه!! چون در سه تا از گزینه‌ها حکم هر دو رو یکسان معرفی کرده و غلط بودنشون همون ابتدا معلومه.

نکته ← نکته دیگه‌ای هم که در مورد ظاهر مواد مربوط به این تست هست اینه که در مورد استناد به پرونده کیفری، فقط مطالبه اصل پرونده انجام میشه و بحث دادن رونوشت منتفیه ولی در بحث مطالبه پرونده مدنی، ممکنه دستور رونوشت داده بشه و یا اینکه اصل پرونده مطالبه بشه.

اما:

در بحث رونوشت، ظاهر ماده اینطور نشون میده که واسه مطالبه رونوشت، «درخواست» ذی‌نفع، لازمه ولی در مورد مطالبه اصل پرونده (چه مدنی و چه کیفری) درخواست ذی‌نفع شرط نیست.

این نکات، صرفاً تکنیک‌های تست‌زنی آزمون‌های وکالت و بر اساس ظاهر مواد هست و لزوماً علمی و قابل قبول نیست بلکه در عمل، این موارد، اغلب نیازمند درخواست ذی‌نفع هست. نکته بند فوق، یکی از خروجی‌های مطالعات مقایسه‌ای هست که توی جزوه «هنر مدیریت مطالعه برای آزمون وکالت» تشریح کردم.

پاسخ سوال ۳۰: گزینه ۱

قانون خاص + قانون آیین دادرسی مدنی:

ماده ۱۴ ق. نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: «دعوی اعسار، غیرمالی است...».
ماده ۳۳۱ ق. آیین دادرسی مدنی: «احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: ... ب- کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی...»
ماده ۵۰۷ ق. آیین دادرسی مدنی: «... به هر حال حکم صادره در خصوص اعسار حضوری محسوب است.»

پاسخ سوال ۳۱: گزینه ۲

ماده ۲۲۱ ق. آیین دادرسی مدنی: «دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده‌است، تعیین تکلیف... نماید.»

پاسخ سوال ۳۲: گزینه ۳

رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۶۶۸ - ۱۳۸۵/۰۳/۲۳:
«نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه دعوی توجهاً به ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مشمول قواعد مربوط به بروات، موضوع بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت است و از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصادیق قسمت فراز ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به شمار می‌رود. نظر به اینکه در همان حال، محل صدور چک در وجه ثالث، با تکیه بر ترکیب «محال‌علیه» در ماده ۳۱۰ قانون تجارت نوعی حواله محسوب است که قواعد ماده ۷۲۴ قانون مدنی حاکم بر آن می‌باشد، و از این نظر با توجه به مبلغ مقید در آن جزء اموال منقول بوده و همچنین مصداقی از ماده ۱۳ مسبق‌الذکر می‌تواند باشد، بی‌تردید دارنده چک می‌تواند تخیراً به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محال‌علیه و یا با عنایت به قاعده عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای اقامه دعوی به دادگاه محل اقامت خواننده مراجعه کند. با وصف مراتب رجوع دارنده چک به هر یک از دادگاه‌های یادشده توجهاً به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای آن دادگاه در رسیدگی به دعوا ایجاد صلاحیت خواهد کرد...».

این سوال یکی از سوالات تکراریه که تا حالا چندبار در آزمون‌های فوقی مطرح شده.

پاسخ سوال ۳۳: گزینه ۳

پاسخ این سوال، هرچند از سکوت قانون هم قابل استخراج و ولی اتکا به سکوت قانون چندان اطمینان‌بخش نیست و طراح تست هم واسه اینکه بعداً مورد سرزنش قرار نگیره سوال رو عیناً از نظر استاد دکتر شمس در پاراگراف شماره ۵۷۱ جلد سوم پیشرفته طرح کرده. تصویر این بند رو ببینیم:

بند چهارم - اقدامات دادگاه پس از اجرای قرار

۵۷۱. گفته شد که در ماده ۴۳۹ ق.ق. دادگاه مکلف شده بود که صورت معاینه‌ی محل را در جلسه‌ی دادرسی بخواند تا طرفین اگر بخواهند نسبت به معاینه توضیحات شفاهی بدهند. بنابراین به موجب ماده‌ی مزبور، تشکیل جلسه‌ی دادرسی پس از اجرای قرار الزامی بود. اما به موجب ماده ۳۵ ل.ق.ا.ل.ق.ت.د.ع. مصوب ۱۳۵۸ تعیین جلسه‌ی دادرسی پس از اجرای قرار اختیاری گردید. به موجب بخش پایانی ماده‌ی مزبور «... همچنین در صورت صدور قرار تحقیق و معاینه‌ی محل و اجرای آن هرگاه پرونده معدّ صدور رأی باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین جلسه‌ی دیگری مبادرت به صدور رأی نماید». در قانون جدید نیز تعیین جلسه‌ی دادرسی پس از اجرای قرار پیش‌بینی نشده و بنابراین پس از اجرای قرار، هرگاه پرونده آماده‌ی صدور رأی قاطع باشد، دادگاه به آن اقدام می‌کند. این ترتیب اگرچه در سرعت دادرسی مؤثر است اما می‌تواند در عمل، حق طرفین را در ادای توضیح و حتی اعتراض به صورت جلسه تضییع نماید؛ به‌ویژه طرفی که در جلسه‌ی اجرای قرار حضور نداشته است. بنابراین چون ماده ۳۵ مزبور تشکیل نشدن جلسه‌ی دادرسی پس از قرار معاینه‌ی محل و تحقیق محلی را منوط به آماده بودن پرونده برای صدور رأی کرده است، دادگاه مخصوصاً در مواردی که یکی از اصحاب دعوا در جلسه‌ی اجرای قرار حضور نداشته، بهتر است فرصت و امکان توضیح و اعتراض احتمالی به صورت جلسه‌ی اجرای قرار را در اختیار طرفین قرار دهد.

پاسخ سوال ۳۴: گزینه ۱

ماده ۴۸۷ ق.آیین دادرسی مدنی: «تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری رأساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف می‌ماند.»

پاسخ سوال ۳۵: گزینه ۴

میدونیم که هبه، یک از پنج عقد عینی (کلیدی: روباه) هست و با قبض تشکیل میشه (یعنی در هبه، قبض جزو ساختمان عقد محسوب میشه) و لذا مطالبه مالی که قرار بوده هبه بشه و هنوز به قبض داده نشده از مصادیق فقدان ترتب آثار قانونی بر مورد دعوا هست. اما گذشته از این نکته علمی، این تست رو با خود نص قانون هم میشه پاسخ داد چون مثال مندرج در صورت سوال، مثال خود مقنن در قانون آ.د.م. هست. در واقع این تست یکی از نص محورترین سوالاتی دادرسی مدنی امسال محسوب میشه و طراح تست، مثال تست رو دقیقاً همون مثال مقنن انتخاب کرده؛ مواد رو بخونیم:

ماده ۸۴- در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند:

۷- دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض.

ماده ۸۹- [دادگاه در غیر از موارد بندهای ۱ و ۲] در ماده (۸۴) قرار ردّ دعوا صادر می‌نماید.

این نکته، هم از جمع مواد قانون آیین دادرسی مدنی به خوبی برمیآید و میتونیم بگیم چون قرار عدم استماع دعوا از قرارهای قابل تجدیدنظر هست و طبق قانون آیین دادرسی مدنی، قرار صادره از دادگاه نخستین، مشروط به قابل تجدیدنظر بودن حکم مفروض راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر هست، در این مورد هم قراری که دادگاه صادر کرده اگه خواسته یا ارزش خواسته بالاتر از نصاب قانونی باشه، قابل تجدیدنظره والا فلا.

همچنین میتونیم در پاراگراف شماره ۶۴۵ جلد دوم آیین دادرسی مدنی پیشرفته استاد شمس، دقیقاً همین مثال رو

مشاهده کنیم:

۶۴۵. توصیف حکم و قابلیت واخواهی - با توجه به ملاک تبصره ۳ ماده ۳۳۹ ق.

ج.، می توان پذیرفت که دادگاه مکلف است پایین حکم خود حضوری یا غیابی بودن آن را معین نماید.^(۱) نص مزبور، دادگاه را مکلف می نماید که پایین رأی خود قابل تجدیدنظر بودن آن را معین نماید (نک. ش. ۷۲۹). این امر، برای رعایت مصالح محکوم علیه است که ممکن است آگاهی های حقوقی لازم در تشخیص قابلیت شکایت حکم نداشته باشد و بنابراین استفاده از ملاک آن در واخواهی که آن نیز طریق شکایتی عادی است مجاز می باشد. در هر حال، پرسش این است که چنانچه دادگاه در پایین رأی خود، آن را حضوری اعلام نماید آیا محکوم علیه می تواند، به ادعای غیابی بودن آن، نسبت به تقدیم دادخواست واخواهی اقدام نماید؟ ملاک تبصره ی مزبور پاسخ مثبت را تقویت می نماید.^(۳) وانگهی دادگاه نمی تواند از ثبت دادخواست واخواهی (یا هر شکایت دیگری و یا دادخواست نخستین) جلوگیری نماید (ماده ۳ ق. ج.). البته دادگاه صادرکننده حکم (غیابی، با بررسی دادخواست، پیوست های آن، پرونده ی نخستین و حکم واخواسته چنانچه بر حضوری بودن آن اصرار داشته باشد، قرار عدم استماع دعوای واخواهی را صادر و به واخواه ابلاغ می نماید. این قرار، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد، بر اساس بند ۱ ماده ۳۳۲ ق. ج. قابل تجدیدنظر است. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر ادعای محکوم علیه را مبنی بر غیابی بودن حکم بپذیرد قرار عدم استماع دعوای واخواهی را فسخ و پرونده را برای رسیدگی به واخواهی به دادگاه نخستین می فرستد؛ در

مواد ۱۸۱ و ۱۸۴ ق. آ. د. م.:

ماده ۱۸۱- هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش نامه در پرونده مربوط قید می نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد، لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸۴- دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید. مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعوای یا امور دیگری باشد.

(البته همین مثال رو هم استاد شمس در کتابشون آورده.)

ممکنه بعضی دوستان با عنایت به قسمت پایانی بند ۶۳۱ جلد اول دوره پیشرفته آیین دادرسی مدنی معتقد باشند که مالک در این مورد، چون تصرفش منقطع بوده، پس دیگه نمیتونه دعوای رفع تصرف عدوانی مطرح کنه و فقط گزینه خلع ید و اسش میمونه. متن کتاب استاد شمس (انتهای بند ۶۳۱ از جلد اول پیشرفته) رو ببینیم:

در عین حال، تصرف قبلی خواهان دعاوی تصرف، باید اوصاف دیگری را دارا باشد، به گونه‌ای که در نظر عرف، دارنده آن متصرف شناخته شود. به همین جهت تصرف باید مستقر، مستمر، علنی، غیرمبهم و کامل باشد. (مستقر، مستمر، علنی، غیرمبهم و کامل باشد. در حقیقت اگر استیلائی شخص بر مال یا حقی تثبیت نگردیده یا استیلائی او منقطع یا غیرقابل دیدن و احساس برای دیگران باشد و همچنین اگر حالت او نسبت به ملک یا حقی، استیلائی او را در ابهام و تردید قرار دهد و یا تصرف او ناقص باشد، در نظر عرف، چنین حالتی تصرف شمرده نشده و حمایت قانونگذار از چنین وضعیتی سالبه به انتفای موضوع می‌گردد. اوصاف تصرف خوانده - ماده ۱۶۱ ق.ج. مانند مواد ۳۲۶ تا ۳۲۸ ق.ق.

اما باید توجه داشته باشیم که طبق ماده ۱۶۲ قانون آ.د.م. «در دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق، ابراز سند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می‌باشد مگر آن که طرف دیگر سبق تصرف و استفاده از حق خود را به طریق دیگر ثابت نماید.»

ماده ۱۶۲ طوری انشا شده که ظاهراً صرف ابراز سند مالکیت در دادگاه، منجر به تحمیل اماره سبق تصرف (که در ماده، در موردش واژه «دلیل» رو بکار برده) به دادگاه میشه و این اماره، ارتباطی با عینی بودن تصرف در حاق واقع نداره. شاید فلسفه وضع این ماده این بوده که از نظر مقنن، داشتن سند مالکیت نسبت به یک ملک، نوعی تصرف در اون ملک محسوب میشه. به هر حال بر اساس ماده ۱۶۲ و با توجه به اینکه گزینه دوم از لفظ «فقط» استفاده کرده در حالی که خواهان اصولاً میتونه دعاوی دیگه‌ای رو هم (از جمله دعاوی مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف و...) جداگونه مطرح کنه و اینکه خواهان میتونه پس از اقامه دعاوی رفع تصرف، با ابراز سند مالکیت در دادگاه، امید به پیروزی داشته باشه و به صرف منقطع شدن تصرفش در دو سال اخیر، شکستش در دعاوی رفع تصرف عدوانی محتوم نیست، به عقیده بنده، گزینه صحیح، گزینه ۴ هست که میگه: «حسب مورد دعاوی خلع ید یا تصرف عدوانی مطرح کند.»

به هر حال باید ببینیم نظر طراح محترم به کدام سمت متمایل بوده...

پاسخ سوال ۳۹: گزینه ۲

ماده ۲۶۸ ق.آ.د.م.: «طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود، می‌توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.»

پاسخ سوال ۴۰: گزینه ۱

ماده ۴۹۴ ق.آ.د.م.: «چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام‌خواسته ارسال می‌دارد.»

از طرف دیگه میدونیم که طبق ماده ۳۶۷ همین قانون ممکنه گاهی اوقات از رأی بدوی مستقیماً فرجام‌خواهی بشه. پس در این بحث، ممکنه دادگاهی که دیوان عالی می‌خواد پرونده رو واسش بفرسته، دادگاه بدوی باشه. کما اینکه اگه قرار در مرحله بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر قطعی بشه و دیوان به پرونده ورود و اون قرار رو نقض کنه، پرونده رو مستقیم میفرسته دادگاه بدوی‌ای که قرار رو اولاً صادر کرده. خلاصه اینکه ارتباط مستقیم بین دادگاه بدوی و دیوان عالی، تابوی دادرسی نیست و بعضاً متصوره.

پایان

امین قاسم پور، دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران - ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

* از راه‌های زیر می‌توانید با نگارنده تماس بگیرید:

E-mail: Amin_Ghasempur@yahoo.com

Telegram ID: [@Amin_Ghasempur](https://t.me/@Amin_Ghasempur)

Telegram Channel: [@AzmooneVekalat100](https://t.me/@AzmooneVekalat100)

آزمون وکالت ۱۳۹۵

درس	نام درس	(نمره خام) از صد
1	حقوق مدنی	63/33
2	آیین دادرسی مدنی	100/00
3	حقوق تجارت	71/66
4	اصول استنباط حقوق اسلامی	36/66
5	حقوق جزای عمومی و اختصاصی	46/66
6	آیین دادرسی کیفری	95/00

Telegram: https://t.me/Amin_Ghasempur

CHANNEL: [@AzmooneVekalat100](https://t.me/@AzmooneVekalat100)

شماره پرونده	
شماره داوطلبی	
شماره ملی	
نام خانوادگی	قاسم پور
نام	امین
نام پدر	
سال تولد	
شماره شناسنامه	
جنس	مرد
سهمیه	ازاد
کانون	کانون وکلای دادگستری مرکز
نمره کل تراز نهایی	10251
رتبه در کانون و در سهمیه	31

توجه: این جزوه جهت انتشار رایگان در [سایت و کانال اختیاری](https://t.me/Amin_Ghasempur) ارائه شده است.
تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد؛
در غیر این صورت، شرعاً و قانوناً ضمان آور است.